

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شبه‌هنگ راد

۱۹ فبروری ۲۰۱۷

موقعیت زنان در افغانستان

فرهنگ و مناسبات سرمایه‌داری، جوامع خاورمیانه و از جمله جامعه افغانستان را، به‌یک‌ی از میادین جنگ و توحش، غارت اموال عمومی و تحجر تبدیل نموده است. خبر جنایت و تعرض به جان توده‌های رنج‌دیده و به ویژه به زنان، آن‌هم به بهانه‌های واهی و متحجرانه همچون "ناموس‌پرستی"، هر روز و هر ثانیه به‌گوش می‌رسد و خیل عظیمی از زنان و دختران، در زیر سایه قوانین عقب‌مانده و ارتجاعی این‌کشور، جسم و جان‌شان را از دست می‌دهند.

مشاهده تصاویر و شنیدن رفتارهای رذیلانه در این جامعه جنگ‌زده، تکان‌دهنده و زجرآور است. بی‌گمان، دولت موجود از چنین وضعیت ناهنجاری، خوشنود و سر مست می‌باشد. سال‌های مدیدی‌ست که جنگ‌های قبیله‌ای و دامن زدن به توهم و تاریک‌اندیشی، و همچنین سازمان‌دادن حمله به دختران و زنان، به سیاست رایج دولت‌مداران افغانستان، حاکمان محلی و دیگر دار و دسته‌های سرمایه تبدیل گشته است. سال‌های مدیدی‌ست که زندگی مردم در زیر بمب و گلوله باران وحشیانه امپریالیست‌ها و دیگر مرتجعان وابسته، به تباهی رفته است و سال‌های مدیدی‌ست که، حقوق بدهی زنان را لگدمال می‌کنند، تا سلطه سرمایه، جهل و تاریک‌اندیشی، در فضای جامعه تداوم یابد.

در هر صورت و افزون بر این‌که، ناامنی‌های روزانه در اثر جنگ‌های قومی - قبیله‌ای، از جانب جانیان بشریت، جان مردم را به لب رسانده، تعرض و آزار و اذیت به زنان هم، مزید بر آن شده است. چرا که زن در قاموس و در فرهنگ دولت‌مداران جنایتکار افغانستان، عنصر "دست چنم" به حساب می‌آید که وظیفه‌ای جز، تولید مثل و اطاعت کورکورانه از فرامین "مردان"، و دیگر "قوم و خویشان" و همچنین از قوانین غیر انسانی و نابرابرشان ندارد. به عبارتی واقعی‌تر، زن در زیر سایه چنین فرهنگ و نظام جنایتباری، فاقد هر گونه حقی است و از هر سو، در معرض آزار و اذیت، توهین، تحقیر و تبعیض است. متأسفانه، آن‌قدر ضریب بی‌عدالتی‌ها و تعرضات بالاست که نمی‌توان بدرستی، آنچه را که در حق زنان - در این‌کشور - روا می‌شود، به تصویر در آورد.

اشغالگران و مدافعان سرمایه، به زنان یورش می‌برند و مدارس دخترانه را به آتش می‌کشند، گوش و دماغ آنان را، به جرم دفاع از آزادی و پوشش می‌برند و متعاقباً، تعدادی ابله و نادان، با فرمان شیخ و آخوندی مرتجع، انسان‌هائی همچون "فرخنده" را زیر مشت و لگد می‌گیرند و سر آخر، جسد وی را به آتش می‌کشند، تا به‌خیال خودشان، "سر مشق" و "عبرت"ی برای دیگر زنان محروم افغانستان باشد!! در حقیقت درد و مصیبت زنان، یکی دو تا نیست و آنان با انبوهی از معضلات و مشکلات، دست به گریبان‌اند. به طور نمونه مدافعان به‌اصطلاح حقوق پایه‌ای زنان، با پنج

خودرو و شبانه، پنج دختر جوان را به پایگاه نظامی امریکا برده و آنان را مورد تجاوز قرار می‌دهند؛ طالبان، این جرثومه فساد و حامی سرمایه، پسر و دختر جوانی را به جرم اتهام رابطه قبل از ازدواج به رگبار می‌بندد، و به دنباله شوهر "زرینه"، گوش وی را بیرحمانه می‌برد تا مبادا، روز و روزگاری، شوهر دیگری کند!! یقیناً آنچه در فوق آمده است، نمونه‌های منحصر به فردی نیستند و هزاران نمونه دیگر، از رفتار و اعمال جنایت‌بار را می‌توان بر شمرد و نشان داد که، زنان در افغانستان، فاقد کمترین حقوق انسانی‌اند. رفتار و اعمالی که با به‌قدرت رسیدن طالبان و لشکرکشی امپریالیست‌ها به افغانستان، بنا گذاشته شده است و تحت سلطه دیگر دولت‌ها، با پر و بال دادن به جانیان بشریت، دامنه گسترده‌تری به خود گرفته است.

براستی که روز و روزگار زنان افغانستان، بسیار تیره و تار است و جنگ، تحجر، فساد و دیگر مصائب اجتماعی، زندگی را برای آنان ناممکن ساخته است و بر همین اساس، سخن گفتن از جایگاه حقیقی و همچنین رعایت حقوق ابتدائی زنان، - و آن‌هم در زیر مناسبات ارتجاعی و عقب‌مانده کنونی -، چیزی جز تهی نمودن محتوای واژه‌هایی همچون آزادی و دمکراسی، و محترم شمردن به حقوق برابر انسان‌ها نیست.

به یقین ترس نظام، از باور به آزادی و دمکراسیست و بی‌دلیل هم نیست که، خشونت در این کشور، نهادینه شده است، بد رفتاری سازمانیافته و آن‌هم به بهانه دفاع از "حیثیت" خانواده و "ناموس‌پرستی"، به روال عادی و طبیعی نظام و جامعه تبدیل گشته است. از یکسو دار و دسته‌های مرتجع، به حقوق اولیه، به جان، و به بدن زنان تعرض می‌کنند و از سوی دیگر، دولت و عناصر وابسته به آن، در پی تحقیر و توهین به زنان‌اند. در ادامه چنین سیاستی و همین چند روز قبل، دو زن را در هرات به قتل رساندند و یا «مولوی عبدالصمد»، رئیس شورای علمای تخار و اخیراً در جلسه ای به مناسبت گرامیداشت از روز جهانی افراد دارای معلولیت گفته است که: "زنان بی‌حیاءترین طایفه دنیا هستند."

وقاحت و بی‌شرمی، مدافعان نابرابری جنسیتی و سرمایه، حد و مرزی ندارد، بدون کمترین شک و شبهه‌ای، دلیل اصلی آن، به قوانین حاکم بر جامعه، و به سیاست دولت وابسته افغانستان بر می‌گردد؛ دولتی که با تصویب قوانین ارتجاعی، اجازه تعرض به ذهن و به جسم زنان را صادر می‌کند، و به دنباله، قوانین شنیعی که کودکان را، به خانه "بخت" می‌فرستند تا فرهنگ منحط و پوسیده، از فضای جامعه دفن نشود. پیداست که نیاز سرمایه، در زنده نگهداشتن ترس و وحشت در میان توده‌های دربند، و در بردوامی افکار متحجرانه و عقب‌مانده در اذهان عمومی‌ست. چرا که این‌گونه می‌توان، مانع بالندگی و آگاهی مردان و زنان و از درک ریشه‌ی هزاران مصیبت و بلیه اجتماعی شد. این‌گونه می‌توان، مردم و جامعه را با پوشش‌ها و موضوعات خرافی و مذهبی، هدایت نمود. این‌گونه می‌توان مانع هر گونه جنبش‌های اعتراضی و رادیکال شد و عده‌ای انگل‌صفت و ناآگاه را، به جان زنان آزاده، مترقی و معترض از وضع موجود انداخت. با این اوصاف تعرض بی‌وقفه و وحشیانه به زنان، به گردن دولتیان و دیگر دار و دسته‌های وابسته به سرمایه است، تاکنون و همه سوجدویان - و آن‌هم در دوره‌های متفاوت - نشان داده‌اند، تا آنجائی‌که در توان - داشته و دارند، سیاست ارتجاعی و عقب‌مانده را در پهنه افغانستان خواهند گستراند، و تا آنجائی‌که - در توان داشته و دارند، جامعه را برای زنان و توده‌های محروم ناامن خواهند نمود.

گوئی پایانی بر این خشونت‌های جنسی و نیز در گستردگی ظلم و تباهی، علیه مردم و به ویژه زنان افغانستان متصور نیست. نظام به یاری تمامی مرتجعان، همچنان می‌تازد و در مقابل، زنان و دیگر توده‌های دربند هم، برای حقوق اولیه‌شان، در میدان نیردی نابرابر اند. آنان علی‌رغم سنگ‌اندازی‌های دولت و تهدیدهای مرتجعان محلی و مسلح، سیاست‌ها و قوانین حاکم بر جامعه را به نبرد فرا می‌خوانند و به انحای گوناگون، در مقابل زور و اجحافات سازمان‌یافته دولتیان و دیگر دار و دسته‌های مرتجع، مقاومت و ایستادگی می‌کنند. آنان خواهان نابودی تمامی بانیان

فساد و رواج دهندگان فرهنگ عقب‌مانده و ارتجاعی‌اند. آسان می‌توان فهمید، که چنین وضعیتی خواست زنان افغانستان نیست و واضح است که همه زنان ستم‌دیده، به دنبال جامعه‌ای منطبق بر عدالت و محترم شمردن به حقوق برابر انسان‌ها و آن‌هم فارغ از جنس و جنسیت‌اند. آنان به‌خوبی می‌دانند، که جهان و جامعه افغانستان، تحت سلطه سرمایه‌داری و دولت‌های مرتجع و تاریک‌اندیش، به آزادی و رهائی دست نخواهند یافت. آنان بر این باوراند که در امان نگه داشتن تن و جان، و انتخاب پوشش و دیگر فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی، برای آن‌ها در گرو، هر چه بر افراشته‌تر نمودن پرچم دفاع از منافع توده‌های ستم‌دیده به ویژه حقوق زنان است. آنان بر این نظراند که دولت‌های پیشین و از جمله دولت «محمد اشرف غنی احمد زی» و «علی‌رغم اشک تمساح ریختن‌های مزورانه در برابر تعرضات وحشیانه حاکمین محلی و "ناموس‌پرستان"، نه تنها مدافع زنان نبوده و نیستند، بلکه همه آنان را به‌عنوان مسببان اصلی چنین فجایع دردناکی می‌دانند. علاوه بر همه این‌ها زنان ستم‌دیده افغانستان ایمان دارند که زمانی جان و تن امثال "فرخنده" و "زرینه"، از تیررس نابخردان و حامیان دولت و تاریک‌اندیشان، به دور و محفوظ خواهد ماند، که فرهنگ ارتجاعی حاکم بر جامعه رخت بر بسته و دولت‌ها و دیگر دار و دسته‌های مرتجع و وابسته به سرمایه، به زیر کشیده شوند. بنابراین چاره کار، در سوزاندن قوانین ارتجاعی، و در نابودی بانیان چنین وضعیتی است. تنها در چنین شرایطی است که جامعه افغانستان، دیگر شاهد آزار و اذیت، توهین و تحقیر، و همچنین شاهد تعرض و مثله شدن بدن زنان، توسط حاکمان و "ناموس‌پرستان" نخواهد بود.

۱۸ فبروری ۲۰۱۷

۳۰ بهمن [دلو] ۱۳۹۵